



اندیشه ها و اندیشه وران / مفهوم علم سیاسی در احصاء العلوم فارابی

پدیدآورنده (ها) : هایبونگ جو؛ قاسمی، جواد

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: زمستان ۱۳۷۵ - شماره ۵۳ (ISC)

صفحات : از ۷۴ تا ۸۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/52965>

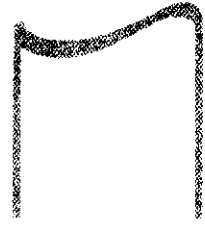
تاریخ دائلود : ۱۴۰۵/۰۱/۱۷

کاربر گرامی، فایل دائلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بازسازی لیبرالیسم سیاسی در ساحت اندیشه جان رالز بر اساس دو مفهوم سعادت و آزادی
- بررسی ابعاد مفهوم اعتماد در اندیشه شهید مطهری و کاربرد آن در مدیریت سازمان ها
- نقش اجتماعی و سیاسی هنر در مدینه فاضله فارابی با توجه به مفهوم سعادت
- تبیین مفهوم و مؤلفه های استقلال فرهنگی در اندیشه ی سیاسی امام خمینی(ره)
- رابطه «ها» ی علم و ارزش؛ انواع نسبت ها میان علم و ارزش در سیر تاریخی اندیشه ی غرب
- تحول مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی جان لاک و ژان ژاک روسو
- مقایسه مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی ابن سینا و علامه طباطبایی
- تحول مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی تامس هابز و جان استوارت میل
- بررسی نسبت پیشرفت علمی در جمهوری اسلامی با علم و تکنولوژی غربی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای
- مدینه فاضله در اندیشه سیاسی فارابی و آگوستین قدیس



مفهوم علم سیاسی در احصاء العلوم فارابی

۱- سرآغاز

از نیمه‌های قرن سوم هجری قمری (نهم میلادی) به بعد، انحطاط اخلاقی و سیاسی خلافت عباسی آغاز شد. پس از آن مسلمانان در همه جا اتحاد خود را از دست دادند. خلافت‌های سه‌گانه به ملوک الطوائف یا قبایل کوچک تقسیم شدند. با این حال، در این دوران اندیشه اسلامی به اوج شکوفایی خود رسید (م. م. شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، ۶).

در چنین اوضاع و احوالی، حکمای مسلمان، معروف به فلاسفه^۱ شاید چنین می‌اندیشیدند که با ظهور اسلام، دانش یونانی و آرمانهای فراگیرش را می‌توان با محیط فکری اسلام انطباق داد. موقعیت تازه‌ای پدید آمده بود که با ایجاد جامعه آرمانی تر فلسفی تناسب داشت. معروف است که این گروه از دانشمندان، شامل فارابی (ف ۳۳۹ ه. ق/ ۹۵۰ م)، ابن سینا (ف ۳۷۰ ه. ق/ ۱۰۳۷ م) و ابن‌باجه (ف ۵۲۳ ه. ق/ ۱۱۳۸ م) تلفیقی از فلسفه سیاسی نوافلاطونی را پدید آورده و آن را با مبانی دینی وفق داده‌اند. با این حال تفاوت‌هایی میان آنان وجود دارد.

فارابی از نامدارترین فیلسوفان بزرگ به‌شمار می‌آمد. او در مدرسه‌ای با گرایش‌های خردگرایانه آشتی‌ناپذیر و نیز در فرهنگ مسیحی یونانی تعلیم دیده و دانش آموخته بود. در حلب به دربار سیف‌الدوله حمدانی پیوست و در سن حدود هشتاد سالگی در دمشق وفات یافت.^۲

فارابی در باب اندیشه‌های سیاسی ویژگی خاصی دارد. وی که پس از معلم او، ارسطو،

معلم ثانی خوانده شده، اولین حکیم مسلمان در دنیای اسلام نیز به شمار می‌آید. به دیگر سخن، فارابی نخستین حکیم سیاسی اسلام است که به تعارض میان فلسفه و وحی پی برده و راه‌حلی برای آن پیشنهاد کرده است^۳ (Lambton, 109). او مهمترین مسائل مربوط به ارتباط میان فلسفه و قوانین بشری، یا بین پیشروان حکمت و وحی، نبوت، شریعت و امام را به تفصیل مورد کندوکاو قرار می‌دهد. عقیده بر آن است که او - جایگاه علم سیاسی [مدنی] را در مدینه، اجتماع و دنیای آبادان (المعمورة) تعیین می‌کند. این مسائل اساساً در آثار سیاسی فارابی مورد بحث قرار گرفته‌اند، مانند: احصاء العلوم، تحصیل السعادة، المدينة الفاضلة، السياسة المدنیة، فصول المدنی و کتاب الملة.

فارابی بویژه در احصاء العلوم، مفهوم علم مدنی را فی نفسه، کاملاً توضیح می‌دهد. این توضیحات در کتاب الملة و تحصیل السعادة او نیز دیده می‌شوند. احتمالاً ساختار اصلی این آثار به طور کلی از مقدمات تکوین اندیشه‌های سیاسی او خبر می‌دهد. هدف از این گفتار در این چارچوب درک مفهوم کامل علم مدنی از نظر فارابی است. برای نیل به این مقصود، اندیشه‌های سیاسی او را با نگاهی به سه کتاب اصلی او بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

فارابی نخستین حکیم سیاسی اسلام است که به تعارض میان فلسفه و وحی پی برده و راه‌حلی برای آن پیشنهاد کرده است

۲ - زمینه مفهومی اصطلاحات سیاسی:

عمدتاً براساس دیدگاه‌های لیواشتراس

نخست لازم است مفاهیم کلی اصطلاحات سیاسی، مانند فلسفه سیاسی، نظریه سیاسی، علم سیاسی؛ سیاست و... را مورد بحث و بررسی قرار دهیم تا دیدگاه‌های کلی فارابی را در مسایل سیاسی دقیقتر بشناسیم.

فلسفه سیاسی توضیحاتی کلی ارائه می‌دهد تا به مسائل عام تشکیلات جامعه پاسخ گوید و مفاهیم و نظریات مربوط به اندیشه یا نظریه سیاسی را بیان می‌دارد. بنابراین، مفهوم عدالت را، که به طور کلی می‌تواند در اندیشه و فعالیت سیاسی معمول مورد قبول واقع شود، به منظور درک مفهوم کامل آن مورد تحلیل فلسفی نیز می‌توان قرار داد (Scruton, 361). لیواشتراس ظاهراً «فلسفه سیاسی» را کوششی به منظور علم به ماهیت امور سیاسی و نظم سیاسی درست یا

نیکو می‌داند. او فلسفه سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «فلسفه سیاسی کوششی آگاهانه، انسجام‌یافته و مصممانه است که علم به اصول سیاسی را جایگزین عقاید مربوط به آنها می‌کند» (Strauss, 1959, 12). او همچنین می‌گوید: «فلسفه سیاسی باید پویا باشد و آگاهی همراه با دغدغه خاطر از اختلاف اساسی بین اعتقاد یا باور و علم، آن را در این پویایی ثابت بدارد» (همان). بنابراین «حقیقت» را می‌توان مهمترین دغدغه فیلسوف سیاسی و گفتگوی منظم را وسیله اصلی فلسفه سیاسی به شمار آورد.

لیواشتروس بر «فلسفه سیاسی کلاسیک» تأکید می‌کند. او می‌گوید: «وقتی ما فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو را فلسفه سیاسی کلاسیک می‌خوانیم، مقصودمان شکل کلاسیک فلسفه سیاسی است... از این رو فلسفه سیاسی آنان جامع است؛ هم نظریه سیاسی است و هم مهارت سیاسی... این ویژگیهای فلسفه سیاسی کلاسیک با کمال وضوح در قوانین افلاطون، که برجسته‌ترین اثر سیاسی اوست، به چشم می‌خورد.» (همان، ۲۹-۲۷).

اندیشه سیاسی را می‌توان اندیشه‌ای دانست که افکار، نظریات و ارزشهایی که سیاست و رفتار سیاسی را برمی‌انگیزد در برمی‌گیرد، و از نظریاتی حکایت دارد که مردم از رهگذر آنها می‌کوشند رفتار سیاسی یکدیگر، ارزشهایی را که از طریق آن درباره این رفتار حکم می‌کنند و دستگاهی را که به واسطه آن می‌کوشند این رفتار را مهار کنند، همچون قانون، مورد تحلیل قرار دهند (Scruton, 360). لیواشتروس می‌گوید: «استنباط ما از اندیشه سیاسی تأمل در دیدگاههای سیاسی یا تشریح آنهاست؛ استنباط ما از دیدگاههای سیاسی می‌تواند هرگونه تصور، مفهوم ذهنی یا تصویرکلی باشد که به لحاظ سیاسی حائز اهمیت فراوان است؛ و یا هر چیزی که بتوان ذهن را درباره آن پیرامون اصول سیاسی به تفکر واداشت (Strauss, 1959, 12). او می‌افزاید: «بنابراین، هر فلسفه سیاسی اندیشه سیاسی هست، اما هر اندیشه سیاسی فلسفه سیاسی نیست. بدین‌سان، اندیشه سیاسی در تمایز میان علم و اعتقاد یکسان است: ... اندیشمندی سیاسی که فیلسوف نیست اساساً دل‌بسته یا پیوسته به گروه یا سیاست خاصی است: ... اندیشه سیاسی که فلسفه سیاسی نیست کمال مطلوب خود را در قوانین و مقررات، در شعر و داستان، در اعلامیه‌های سیاسی و نطقهای عمومی می‌یابد...» (همان، ۱۳).

به گفته لیواشتروس، نظریه سیاسی را می‌توان چنین بیان کرد: «استنباط اغلب مردم از نظریه سیاسی، تأملات کلی امروزی اوضاع و احوال سیاسی است که در نهایت به اصول پذیرفته شده

نزد عقاید عامه یا بخش قابل توجهی از عامه منتهی می‌شود؛ یعنی عامه اصول کاملاً پرسش‌برانگیز را به طور جزئی می‌پذیرند» (همان). همچنین در تعریف آن می‌توان گفت که نظریه سیاسی کوششی است جهت متحد کردن حقایق تجربی و اکتشافی سیاسی انسان با حقایق اخلاقی مطلوب از نظر سیاسی، با در نظر گرفتن طبیعت سیاسی انسان.

علم سیاسی^۴ در میان شاخه‌های علوم دانشگاهی به طور کلی موضوعی مستقل است و شاید نظریه سیاسی، فلسفه سیاسی، اقتصاد سیاسی و موضوعات سیاسی دیگر را نیز دربرگیرد. این علم اساساً مطالعه ماهیت، توزیع و پویایی قدرت است که معمولاً در سطح ملی یا بین‌المللی و گاه در سطحی بسیار محدود به کار می‌رود (Scruton, 361). همان‌طور که لیواشتراس می‌گوید: «علم سیاسی اصطلاحی است مبهم و به پژوهشهایی در امور سیاسی اشاره دارد که الگوی آن را علوم طبیعی مشخص می‌کند، و از فعالیتی حکایت می‌کند که اعضای حوزه‌های علم سیاسی صورت می‌دهند» (Strauss, 1959, 13). او همچنین می‌افزاید: «درست همان‌طور که علم واقعی در امور طبیعی هنگامی آغاز شد که مردم از نظرپردازی بیهوده و بی‌حاصل به مطالعه تجربی و آزمایشی روی آوردند، علم واقعی به امور سیاسی نیز هنگامی آغاز خواهد شد که فلسفه سیاسی زمینه را برای مطالعه علمی سیاست کاملاً فراهم آورده باشد... در رأس نردبان دولتمردی بزرگ را می‌بینیم که از علم سیاسی، فهم سیاسی، عقل سیاسی و بالاترین میزان مهارت سیاسی برخوردار است؛ یعنی از علم سیاسی به مفهوم اصلی کلمه... فلسفه سیاسی در اصل همان علم سیاسی بود.» (همان، ۱۳-۱۴-۱۷).

سخن کوتاه، «سیاست» را به منزله هنر یا علم کشورداری، می‌توان هنر اداره و تلفیق منافع گوناگون و متعدد در درون یک دولت خواند. این نظریه سیاسی دربارهٔ به رسمیت شناختن و آشتی دادن منافع متضاد، امروزه قبول عام یافته است (Scruton, 361-62).

۳- استنباط فارابی از علم سیاسی (علم مدنی)

فارابی در کتاب التنبیه نخست علوم را به دو بخش تقسیم می‌کند: علوم نظری که ریاضیات، طبیعیات و مابعدالطبیعه را در برمی‌گیرد، و علوم عملی که به تدبیر منزل، اخلاق و سیاست مدن (علم مدنی) تقسیم می‌شوند (کتاب التنبیه، ص ۱۹ - ۲۱). وی در کتاب احصاء العلوم و کتاب الملة به فقه و کلام^۵ می‌پردازد (احصاء العلوم، ۱۳-۱۰۷؛ الملة والنصوص الاخری، ۶، ۹).

فارابی در *احصاء العلوم*، کتاب *الملة و تحصيل السعادة* عبارت عربی *العلم المدنی* را به کار می‌برد (که در انگلیسی می‌توان آن را به *Political Science* یا *Science of State* ترجمه کرد) تا معرف نظریات سیاسی او باشد (*احصاء العلوم*، ۱۰۲-۳؛ کتاب *الملة*، ۱۱ به بعد). او علم مدنی را چنین تعریف می‌کند: «علم مدنی از انواع افعال و رفتار ارادی^۶ و از ملکات و اخلاق و سجایا و عاداتی بحث می‌کند که افعال و رفتار ارادی از آنها سرچشمه می‌گیرند، و از هدفهایی یاد می‌کند که این افعال و رفتار برای رسیدن به آنها صورت می‌گیرد؛ و بیان می‌دارد که چه ملکاتی برای انسان شایسته است و از چه راه می‌توان زمینه پذیرا شدن این ملکات را در انسان فراهم کرد تا به گونه‌ای شایسته در وجود او رسوخ یابند. و نیز از طبقه‌بندی نتایجی سخن به میان می‌آورد، که این افعال و رفتار برای ایجاد آنها از انسان سر می‌زند، و بیان می‌دارد که برخی از این نتایج سعادت حقیقی است و برخی دیگر پنداری و ظنی، یعنی چنان می‌پندارند که سعادت است و در واقع چنین نیست.^۷» در هر حال فارابی بر این باور است که سعادت حقیقی در این جهان ممکن نیست. بدین‌سان هر چیزی که برای سعادت غایی نباشد، متوجه خیر کمتر یا سعادت ظنی خواهد بود.

بدین طریق است که علم مدنی بین افعال و اعمال عادی امتیاز قایل می‌شود تا افعال و اعمالی را که سعادت حقیقی به واسطه آنها ممکن می‌گردد مشخص سازد. این افعال و اعمال عبارتند از خیرات، زیباییها و فضایل، حال آن که جز اینها شرور، قبايح و نقایص‌اند.

این افعال و اعمال جملگی باید در انسانها تحقق یابند به همان نحوی که فضایل و سنتهای جاری در مدینه‌ها و در میان امتهای مطابق با نظمی خاص توزیع می‌شود و اجرا می‌گردد. فارابی سپس مفهوم ریاست را که اساس دیدگاههای سیاسی او را تشکیل می‌دهد بیان می‌دارد. این ریاست [حکومت] است که افعال مزبور، احکام جاری، ملکات و اخلاقیات را در مدینه‌ها و در میان امتهای استوار می‌دارد (*احصاء العلوم*، ۱۰۳؛ کتاب *الملة* ۱۴۸).

فارابی این ریاست را از طریق مقام (مهنه) مانند پادشاهی (ملکیه) و اقتدار پادشاهی (ملک) تحقق‌پذیر می‌داند. او می‌گوید که سیاست عبارت است از به عهده گرفتن این پادشاهی. وی

* نقل از *احصاء العلوم*، ترجمه حسین خدیوجم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۶ - م.

آنگاه ریاست [حکومت] را به دو نوع تقسیم می‌کند: ریاست فاضله و ریاست جاهله. ریاست جاهله تقسیم می‌شود به ریاست خست (پستی) و ریاست کرامت، مطابق با هدفی که در پیش دارد.

فارابی اداره حکومت فاضله را نیز در سایه دو نیرو امکان‌پذیر می‌داند (احیاء علوم الدین، ۱۰۴؛ کتاب المله، ۱۴b,d): نخست نیرویی که بر قوانین کلی استوار است و دوم نیرویی که بر اثر ممارست در کارهای کشورداری به دست می‌آید (اعمال مدنی). او تأکید می‌کند که فلسفه مدنی یا فلسفه سیاسی، در مواردی که به بررسی افعال و سنن و ملکات ارادی - و دیگر مباحث مربوط به آن - پردازد، قوانین کلی به دست می‌دهد، و راه اندازه‌گیری آنها را برحسب احوال و اوقات مختلف، و این که چگونه و با چه چیز باید این اندازه‌گیری صورت گیرد، نشان می‌دهد. سپس دو بخش این علم را که برای ریاست کارآمد ضرور است مشخص می‌کند. بخش اول شامل تعریف سعادت می‌شود، و تفاوت سعادت حقیقی را از سعادت خیالی بیان می‌دارد، به شمارش افعال و رفتار و اخلاق و عادات ارادی کلی - که لازم است در شهرها و میان ملت‌ها رواج پیدا کند - می‌پردازد، و سنن فاضله و غیرفاضله را از هم جدا می‌کند.

علم مدنی از انواع افعال و رفتار ارادی و از ملکات و اخلاق و سجایا و عاداتی بحث می‌کند که افعال و رفتار ارادی از آنها سرچشمه می‌گیرند

بخش دیگر شیوه رواج عادات و سنن فاضله را در شهرها و در میان ملت‌ها بیان می‌دارد و وظایف حکومت را که به واسطه آن می‌توان افعال و سنن فاضله را در مردم به وجود آورد و حفظ کرد مشخص می‌سازد. به گفته فارابی این بخش انواع کارهای حکومت غیرفاضله را نیز برمی‌شمرد و می‌گوید که چند نوع است و هر یک از آنها چگونه است. آنگاه تعداد اسباب و عللی را برمی‌شمرد که از ناحیه آنها نمی‌توان اطمینان یافت که حکومت‌های فاضله و سنن و مدن فاضله پایدار بمانند، یعنی به سنن و ملکات جاهلیت تبدیل نگردند. و نیز راه‌های تدبیر و چاره‌اندیشی و دیگر چیزها را برمی‌شمرد و می‌گوید که فایده آنها این است که اگر حکومت فاضله‌ای به حکومت جاهله تبدیل شد چگونه باید آن را به حال اول بازگردانید.

آنگاه بیان می‌کند که اداره حکومت فاضله با چند چیز سامان می‌پذیرد؛ برخی از آنها

[دانشهای] نظری و برخی عملی هستند و نیروی حاصل از تجربه به دست آمده را - که بر اثر ورزیدگی بسیار در کار اداره شهرها و مردمان برای حکومت پیدا شده است - بر آنها می‌افزاید. نیز بیان می‌کند که مدینه فاضله هنگامی پایدار می‌ماند - و تغییر ماهیت نمی‌دهد - که فرمانروایانش در طول زمان از شرایط واحد بخصوصی پیروی کنند، به طوری که فرمانروای دوم جانشین فرمانروای اول حافظ و نگهبان همان احوال و شرایط مرسوم در روزگار پیش از خود باشد. و بیان می‌کند که کدام شرایط و احوال طبیعی است که باید در فرزندان پادشاهان و دیگر مردم جستجو شود تا معلوم گردد چه کسی اهلیت دارد که پس از فرمانروای کنونی جانشین او شود و آن کس که این شرایط طبیعی در او موجود است چگونه باید تربیت شود تا حرفه فرمانروایی را نیک فراگیرد و فرمانروای کامل شود (احصاء العلوم، ۱۰۶؛ کتاب المله، ۱۴۵، ۱۸). وی در کتاب المله، به گونه‌ای غیر معمول، می‌پذیرد که اگر فرمانروایی جانشین فرمانروا یا فرمانروای دوم، مبتنی بر سنتهای متداولی باشد که حاکم توانای نخستین وضع کرده است، نیازی به فلسفه ندارد (کتاب المله، ۱۸). در این جا فارابی نظریه‌ای ارائه می‌دهد که از ارتباط بین‌المللی حکایت دارد. او می‌گوید باید بین ملت‌های فاضله ائتلاف و ارتباط برقرار باشد. این نظر او درست مانند دیدگاه‌هایش در باب جهان است (همان، ۲۷).

در تحصیل السعادة شرح دیگری از علم مدنی به عمل می‌آورد، گرچه کاملاً آن را توضیح نمی‌دهد (تحصیل السعادة، ۱۶). او در این اثر مفاهیم علم مدنی را چنین بیان می‌دارد: علم مدنی باید اختلاف بین خیرات، فضایل، حسنات، شورو، نقایص و سیئات را روشن کند و بیان دارد که این افعال چگونه باید اجرا شوند تا معلوم، معقول و متمایز از یکدیگر باشند. نیز علم به اموری را در بر می‌گیرد که اتباع دولتها با تمسک به آنها از طریق اجتماع مدنی به سعادت نایل می‌آیند تا بدانجا که هر یک از آنان از تمایلی فطری نسبت به آن برخوردار می‌شوند.^۷

۴ - خاتمه

از طرح کامل «علم مدنی» فارابی می‌توان چنین استنباط کرد که او ابتدا چشم‌اندازها و اهداف علم مدنی را ارائه می‌دهد و سپس حکومت را تعریف می‌کند که از طریق پادشاهی یا اقتدار پادشاهی می‌تواند تحقق یابد. آنگاه حکومت فاضله و غیرفاضله را از یکدیگر جدا می‌کند. حکومت فاضله سه قوه دارد: قوه علم نظری، علم عملی و قوه تجربی عملی. حکومت

غیر فاضله به فلسفه عملی و نظری نیاز ندارد و تنها واجد قوهٔ تجربی است. تعریف فارابی از سیاست، که تحقق ریاست و حکومت است، مفهوم کلی سیاست، یعنی هنر یا علم حکومتداری می‌باشد. تعریف وی از «فلسفهٔ مدنی»، که به قواعد کلی علم مدنی محدود می‌شود، با تعریف فلسفهٔ سیاسی کلاسیک از نظر لیواشترائوس، به لحاظ اصطلاحی، بسیار فاصله دارد. با این حال، هنگامی که ما به تعریف جامع او از علم مدنی می‌نگریم، که شامل فلسفهٔ مدنی محدودش نیز می‌شود، درمی‌یابیم که وی در واقع فلسفهٔ سیاسی کلاسیک لیواشترائوس را بیان می‌دارد.

خلاصه این که، چارچوب اساسی کلیهٔ آثار فارابی با بافت اصلی اندیشه‌های سیاسی‌اش تطابق دارد. نیز چنین می‌نماید که او پیش از طرح‌ریزی کامل مدینهٔ فاضله دیدگاه‌های خود را در باب علم مدنی بیان کرده بوده است. بنابراین می‌توان دیدگاه‌هایش را در زمینهٔ اندیشهٔ سیاسی در چارچوب «علم مدنی»، به گونه‌ای که عمدتاً در *احصاء العلوم*، کتاب *الملة و تحصيل السعادة* بیان شده است تنظیم کرد؛ گرچه دشوار است دیدگاه‌های سیاسی فارابی را به طور منظم تنها با مراجعه به نظریه‌اش پیرامون «علم مدنی» تحلیل و تنظیم کنیم.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی پی‌نوشتها

- ۱- تعریف واژه «فلاسفه» به قرار زیر است: «... عربها از «فیلوسوفوس» یونانی کلمهٔ «فیلسوف» را ساختند که جمع آن «فلاسفه» است. اسم مجرد و مطابق آن عبارت است از «فلسفه ...» (مونتگمری وات، ۲۰۴).
- ۲- اسم کامل فارابی، ابونصر محمد بن محمد بن توخان بن اوزلغ فارابی است. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۲، تصحیح احسان عباس (بیروت: دارالصادر)، ص ۹۹-۱۹۵؛ بحث‌هایی دربارهٔ شرح حال فارابی جریان دارد، گرچه هنوز شواهد تازه‌ای به دست نیامده است. مؤلفان زیر مطالب نسبتاً مفیدی را در این زمینه بیان داشته‌اند: ماجد فخری، ۱۹۸۳، ص ۱۰۷ به بعد؛ ابراهیم مدکور، ص ۵۴-۴۵۰؛ اشتراوس، ۱۹۵۷، ص ۳۱۹-۴۴؛ والترز ۱۹۲۷، ص ۴۴-۳۱۹؛ کارادوواکس ۵۳-۵۵؛ نجار، ۱۹۷۸، ص ۱۲۴-۵؛ و غیر آن.
- ۳- یکی از مسائل عمدهٔ او فلسفهٔ سیاسی افلاطون است که وی را قادر می‌سازد امام را به جای حکیم حاکم در جمهوری افلاطون و شریعت را به جای قوانین بگذارد.

- ۴ - دیوید استون می‌گوید، به مفهومی جدید «علم سیاست مطالعه توزیع آمرانه ارزشها به یک جامعه است. این علم بر نظام سیاسی متمرکز است...» (استون، ۱۶ - ۲۲).
- ۵ - عبارتی که فقه و کلام را تعریف کرده است، در اثر فوزی. م. نجار، با عنوان «فلسفه سیاسی در اسلام» آمده است، Islamic Quarterly، (۴) ۲۲-۲۰ ص ۱۲۳ به بعد.
- ۶ - اصل عربی آن عبارت است از: انصاف الافعال و السنن الارادية. اما ماجد فخری به جای سنن، «سینر» می‌آورد. رک: ماجد فخری، ۱۹۹۱ب، ص ۸۱.
- ۷ - فارابی در توضیح آن از نگرش فلسفی کلی‌اش نسبت به نظم سلسله مراتبی جهان بهره می‌جوید. مدینه نظام جهان‌شناختی عالم را بیان می‌دارد:
- «درست همان‌طور که در جهان اصل نخستینی وجود دارد که اصول دیگر تابع آن هستند و موجوداتی از این اصول صادر می‌شود که موجودات دیگر تابع این موجودات هستند تا این که به پایین مرتبه‌ترین موجودات در سلسله وجود ختم می‌شوند، ملت یا مدینه نیز فرمانده‌ای عالی دارد که فرماندهان دیگر از او، شهروندان از این فرماندهان و شهروندان دیگر از این شهروندان پیروی می‌کنند تا آنجا که به پایین‌ترین مرتبه شهروندان و ابنای بشر ختم می‌شود. بنابراین مدینه به کل جهان شباهت دارد (تحصیل السعادة، ص ۱۶؛ ترجمه انگلیسی فوزی. م. نجار، ص ۶۱).

مرکز تحقیقات کمپیوتر علم سنی
کتابشناسی

کتاب التنبیه علی سبیل السعادة در رسائل فارابی، چاپ دکن حیدرآباد، ۱۹۲۶.

تحصیل السعادة، در رسائل فارابی.

رسائل فارابی.

احصاء العلوم فارابی، تصحیح عثمان امین، چاپ قاهره.

فصول المدنی، فارابی، تصحیح د. م. دنلوب، چاپ کمبریج.

الملة والنصوص الاخری، محسن مهدی، بیروت، ۱۹۶۸.

وفیات الاعیان، احسان عباس، بیروت: دار صادر.

عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ابن ابی اصیبه، ابوالعباس احمد، ۱۸۸۴، آگوس مولر،

تصحیح کونیزبرگ.

- [IU]—. 1949 <1931>. *Ihşā' Al-'Ulūm*. 'Uthmān Amin. ed. Cairo.
- . 1961. *Al-Fārābī: Fuṣūl Al-madānī* [Aphorisms of the Statesman]. Edited with an English Translation, Introduction and Notes by D. M. Dunlop. Cambridge: The University Press.
- . 1962a. *Alfarabi's Philosophy of Plato and Aristotle*. Trans. and Introd. by Muhsin Mahdi. New York, NY: The Free Press of Glencoe.
- . 1962b <Hyderabad: 1345 AH>. *The Attainment of Happiness* [Taḥṣīl. Al-Sa'ādah]. In *Alfarabi's Philosophy of Plato and Aristotle*. Trans. and Introd. by Muhsin Mahdi. New York, NY: The Free Press of Glencoe.
- . 1964a <Charlottenburg: 1895>. *Al-Fārābī's Abhandlung der Musterstaat*. Aus Londoner und Oxfordter Handschriften. Friedrich Dieterici. Leiden: E.J. Brill.
- . 1964b. *Al-Fārābī's the Political Regime* [Al-Siyāsa Al-Madaniyya also Known as the Treatise on the Principles of Beings]. Arabic Text. Edited with an Introduction and Notes by Fauzi M. Najjar. Beyrouth: Imprimerie Catholique.
- [KM]—. 1968. *Kitāb Al-Milla wa-Nuṣūṣ Ukhṛā* [Alfarabi's Book of Religion and Related Texts]. Muhsin Mahdi. ed. Bayrūt.
- . 1983a <The Free Press of Glencoe, 1963>. *Alfarabi: The Enumeration of the Sciences* [Ihşā' Al-'Ulūm]. Cairo, 1948. Trans. by Fauzi M. Najjar. In *Medieval Political Philosophy: A Sourcebook*. Ralph Lerner and Muhsin Mahdi. eds. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- . 1983b <The Free Press of Glencoe, 1963>. *Alfarabi: The Political Regime* [Al-Siyāsāt Al-Mādaniyyah]. Hyderabad, 1346AH. Trans. by Fauzi M. Najjar. In *Medieval Political Philosophy: A Sourcebook*. Ralph Lerner and Muhsin Mahdi. eds. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- . 1985. *Abū Naṣr Al-Fārābī's Mabādī' arā' Ahl Al-madīna Al-fāḍila* [Al-farabi on the Perfect State]. A Revised Text with Introduction, Translation, and Commentary by Richard Walzer. Oxford: Clarendon Press.
- Carra De Vaux, Bon. 1965. "AL-FĀRĀBĪ." In *EI*², vol. 2, 53-55.
- Easton, David, 1979 <1965>. *A Framework for Political Analysis*. Chicago: The University of Chicago Press.
- The Encyclopaedia of Islam* 1927. 9 vols. Leiden: E.J. Brill.
- The Encyclopaedia of Islam* 1965-. New Edition. 6 vols. Leiden: E.J. Brill.
- Fakhry, M. 1983 <1970>. *A History of Islamic Philosophy*. 2nd ed. New York and London: Columbia University Press.
- . 1991a. "The Ontological Argument in the Arabic Tradition: The Case of Al-Fārābī." *Studia Islamica* 64: 5-17.
- . 1991b. *Ethical Theories in Islam*. Leiden: E.J. Brill.
- Ibn Abi Uṣaybi'ah, Abū 'l-'Abbās Aḥmad. 1884. *Kitāb 'Uyūn Al-Anbā' fī ṭabaqat Al-Aṭibbā'*. August Müller. ed. Königsberg.
- Ibn Khallikan. 1970 <Paris: 1842>. *Biographical Dictionary*. Trans. by Baron Mac Guckin De Slane. 4 vols. Beirut: Librairie Du Liban.
- . 1977. *Wafayāt Al-A'yān* [Biographies of Illustrious Men]. Iḥsān 'Abbās. ed. 5 vols. Beirut: Dār Ṣādir.

- Lambton, A. K. S. 1980. *Theory and Practice in Medieval Persian Government*. London: Variorum Reprints.
- Lerner, Ralph, and Muhsin Mahdi, eds. 1983 (The Free Press of Glencoe, 1963). *Medieval Political Philosophy: A Sourcebook*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Madkour, Ibrahim. 1934. *La Place d'al-Fārābī dans L'école Philosophique Musulmane*. Paris.
- Mahdi, Muhsin. 1972. "Alfarabi: circa 870-950." In *History of Political Philosophy*. Leo Strauss and Joseph Cropsey, eds. 160-80. Chicago, IL: Rand McNally & Company.
- . 1975a. "Remarks on Alfarabi's Attainment of Happiness." In *Essays on Islamic Philosophy and Science*. George F. Hourani, ed. 47-66. Albany: State University of New York Press.
- . 1975b. "Science, Philosophy, and Religion in Alfarabi's Enumeration of the Sciences." In *Boston Studies in the Philosophy of Science*. J. E. Murdoch, and E. D. Sylla, vol. 26, 113-47. Dordrecht: D. Reidel Publishing Company.
- Najjar, Fauzi M. 1978. "Political Philosophy in Islam." *Islamic Quarterly* 20-22(4): 121-32.
- . 1984. "Siyasa in Islamic Political Philosophy." In *Islamic Theology and Philosophy: Studies in Honor of George F. Hourani*. Michael E. Marmura, ed. 92-110, 295-97. Albany, NY: Albany State University of New York Press.
- Robertson, David. 1985. *Dictionary of Modern Politics*. London: Europa Publications Limited.
- Rosenthal, E. I. J. 1968 (1958). *Political Thought in Medieval Islam: An Introductory Outline*. Reprinted with Corrections. Cambridge: The University Press.
- Scruton, Roger. 1982. *A Dictionary of Political Thought*. London: Pan Books in Association with The Macmillan Press.
- Sharif, M. M. 1963. *A History of Muslim Philosophy with Short Accounts of Other Disciplines and the Modern Renaissance in Muslim Lands*, 2 Vols. Otto Harrassowitz: Pakistan Philosophical Congress.
- Strauss, Leo. 1957. "How Fārābī Read Plato's *Laws*." *Mélanges Louis Massignou* 3: 319-44.
- , ed. 1959. *What is Political Philosophy? and Other Studies*. New York: The Free Press.
- Strauss, Leo, and Joseph Cropsey, eds. 1972 (1963). *History of Political Philosophy*. Chicago: Rand McNally & Company.
- Walzer, R. 1927. "AL-FĀRĀBĪ." In *EI*¹, vol. 2, 778-81.
- . 1985. *Al-Farabi on the Perfect State* [Abū Naṣr Al-Fārābī's *Mabādi' āra' Ahl Al-Madinah Al-Fāḍilah*]. A Revised Text with Introduction, Translation, and Commentary. Oxford: Clarendon Press.
- Watt, W. Montgomery. 1973. *The Formative Period of Islamic Thought*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- This paper was presented on panel 5 at "The 10th Anniversary Conference of JAMES" in Tokyo, Japan on the 7th of May 1995.